

بررسی نقش سیمرغ و دیو از منظر شاهنامه

فریبا شکرالله پور

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
مدیر پژوهش دانشکده هنر و معماری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

چکیده

واژه خودی و بیگانه در زبان فارسی در دوره های مختلف و مفاهیم متفاوت بکار رفته است و بار معنایی نسبتاً وسیعی دارد. در این مقاله واژه های خودی و بیگانه و نقش سیمرغ و دیو در تعیین مفاهیم این دو واژه از نظر فردوسی در شاهنامه ی فردوسی تصحیح دکتر حمیدیان چاپ مسکو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. هدف این پژوهش ایجاد زمینه لازم برای پژوهشگران و محققان آثار ادبی خصوصاً در حوزه تحول لفظ و معنی در ادوار مختلف ادبی، بررسی و شناخت مفاهیم واژه خودی و بیگانه با توجه به مفاهیم کلمات سیمرغ و دیو در شاهنامه فردوسی می باشد.

با توجه به بررسی ها و تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق در چند نمونه از داستان های شاهنامه که در این مقاله خواهد آمد نتایج بدست آمده نشان می دهد که سیمرغ و دیو در تعیین مفهوم واژه خودی و بیگانه در شاهنامه فردوسی نقش تعیین کننده ی دارند و واژه خودی و بیگانه تنها به افرادی که در محدوده های جغرافیایی و یا اقلیمی و قومی قرار گرفته اند اطلاق نمی شود بلکه بار معنایی گسترده تری را شامل می شود.

□ مقدمه

نمی گیرند بلکه مفاهیم خاص دیگری را روشن می کنند و این مفاهیم شاید در بعضی موارد برای ما پنهان باشد و نتوانیم آن را به وضوح بفهمیم.

گاهی در مضمون های شعری از مفاهیمی استفاده می شود که ارتباطی به خود کلمه ندارند ولی می توانند در مفهوم دیگری به واسطه نوع برداشتی که از آن میشود و یا نحوه عملکرد آن در داستان ها مفاهیم جدیدی را به ذهن متبادر سازند.

مفهوم واژه ی خودی و بیگانه

واژه بیگانه یعنی: غیر، نا آشنا، مقابل یگانه، مقابل آشنا، مقابل خودی، اجنبی، غریبه، خارجی، کسی که از مردم آنجا نباشد، جز اهل وطن، غیر، بیرونی، کسی که قوم و خویشی با کسی نداشته باشد، آنکه از اهل بیت نباشد، آن که به نسب پیوسته نباشد، غیر وابسته، غیر مرتبط، نامحرم. (لغت نامه ی دهخدا جلد ۲۱)

خودی به معنی: مقابل بیگانه، مقابل غریبه، وجود، نفس، خویش، خویشتن، ضمیر مشترک، مقصودی را که از آن متکلم می نمایند، هستی، نفس، انانیت. (لغت نامه ی دهخدا)

می دانیم که واژه خودی و بیگانه دو واژه متضاد هستند که با دو مفهوم دور از هم ولی در کنار هم می آیند چون وجود هر کدام دیگری را در ذهن تداعی می کند و وجود هر کدام نشان دهنده ی کامل معنای متضاد خودش را می رساند و نشان می دهد که وقتی این باشد، آن یکی نیست.

خودی و بیگانه مفاهیم متفاوتی دارند، گاهی در مرزها و محدودیت های جغرافیایی و گاهی در محدودیت های قومی و قبیله یی تعبیر می شوند و یا گاه از نظر مفهومی بدان نگریسته می شود و یا از بعد عرفانی و فلسفی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند.

نوعی مفهوم مرتبط با روابط افراد است و نوعی دیگر به عوالم متفاوتی که هر فرد برای خود دارد بستگی پیدا می کند، گاه افراد غیر خودی و بیگانه را می یابیم که عوالمی یگانه دارند حتی از دو مرز جغرافیایی جدا هستند ولی احساس خودی و یگانگی می کنند زیرا عالم و تفکرات آنان به هم شبیه است و این عوالم موجب تفاهم اخلاقی و روحی آنان می شود.

اما همیشه خودی و بیگانه از این جنبه ها مورد نقد و بررسی قرار

سیمرغ خودی یا بیگانه

سیمرغ جانوری است مشهور و آن را گویند که هر لون که در پر هر یک مرغ باشد همه در پره‌های او موجود است و بعضی گویند بغیر همین اسم فرضی وجود ندارد که زال پدر رستم را پرورده و بزرگ کرده است.

سیمرغ در اصل سین مرغ و یا سن موروک و در هندی باستان چی نام داشته است و در اوستا مرغو سائو نام داشته محققان کلمه سننه را در اوستا به شاهین و عقاب ترجمه کرده اند و بین دو مفهوم سننه اوستایی و سیمرغ فارسی یعنی اطلاق آن بر مرغ مشهور و نام حکیمی دانا رابطه ای موجود است.

در عهد کهن روحانیان و موبدان علاوه بر وظایف دینی شغل پزشکی هم داشته اند بنابر این تصور می شود یکی از خردمندان روحانی عهد باستان (که نام وی سننه از نام پرنده مزبور اتخاذ شده بود) سمت روحانی مهمی داشته که انعکاس آن بخوبی در اوستا آشکار است و از جانب دیگر به طبابت و مداوای بیماران شهرت یافته بود بعدها سننه (نام روحانی مذکور) را به معنی لغوی خود، نام مرغ گرفتند و جنبه پزشکی او را در اوستا به درختی که آشیانه مرغ سننه است در خداینامه و شاهنامه به خود سیمرغ دادند. سیمرغ نام حکیمی است که زال در خدمت او کسب کمال کرد. (لغت نامه دهخدا جلد ۲۹)

سیمای سیمرغ در اساطیر و منابع مکتوب فارسی باستان و میانه از آغاز با سه ویژگی بارز رقم خورده است. بزرگی جثه، قدرت شفا بخشی و حراست گری و مهم تر از همه دانایی و راز دانی دور از دسترس آدمیان خاکزی که سیمرغ را چه در بعد جسمانی و چه در ساخت فکری و معنوی به پدیده‌ی برتر از انسان بدل می کند. (کریمی حکاک، احمد. بنیاد مطالعات ایران Foundation for Iranian Studies www)

چهره سیمرغ در منطق الطیر روایت داستان سفر مرغان است به سوی قاف و شرف حضورشان به بارگاه سیمرغ، اما این خود صورت آشکار سلوک عارفان است تا حضرت خداوندی که همانا سیر الی الله باشد.

در شاهنامه سیمرغ نقش نگهبان و دایه برای زال و یا چاره گر و کمک به رستم در زمان تنگناها را داراست درست مانند حکیمی که شاگرد هر وقت باز می ماند به او رجوع می کند و از او کمک می گیرد. یا سیمرغ نقش خدا را بازی می کند که هر گاه از همه چیز ناامید می شویم به سوی او دست نیاز دراز می کنیم و از او کمک می خواهیم. بزرگ شدن زال در نزد سیمرغ را در واقع سپردن زال

به خدا می توان انگاشت و بزرگ شدن او و رشد او نیز مشیت خدا بوده و بر این قرار گرفته که او بماند و رشد کند و پهلوانی نیرومند شود و سلاله نسل او موجب تاج بخشی شاهان گردد.

۱- سیمرغ در داستان زال

در داستان زال می بینیم که سیمرغ او را در پناه خود بسان مادری نگهداری می کند.

بفرمود پس تاش برداشتند از آن بوم و بر دور بگذاشتند (ص ۱۴۰ سطر ۶۰ جلد ۲)

بجایی که سیمرغ را خانه بود بدان خانه این خرد بیگانه بود (ص ۱۴۰ سطر ۷۰ جلد ۲)

با زال مانند بیگانه‌ی رفتار می شود نزد مادر واقعی خود بزرگ نمی شود و به آشیانه سیمرغ سپرده می شود و این سیمرغ است که نقش خودی را برای زال پیدا می کند.

۲- سیمرغ در داستان رستم و اسفندیار

در داستان جنگ رستم با اسفندیار، رستم که از نبرد با اسفندیار بسیار زخمی و مجروح شده و امید چندانی به پیروزی ندارد چاره‌ی جز کمک خواهی از سیمرغ نمی بیند و سیمرغ راز روپین تنی اسفندیار را به رستم بازگو می کند و به رستم کمک می کند که اسفندیار را شکست دهد.

سیمرغ در شاهنامه خودی است. خودی که، بسیار به خود نزدیک است و شاید او خودی باشد که در درون انسان نهفته است. و با توجه به مفاهیم عرفانی وقتی انسان خود را شناخت خدا را نیز خواهد شناخت و به واسطه‌ی شناخت خدا است که خود را خواهی شناخت.

دیو: خودی یا بیگانه

نوعی از شیطان، ابلیس، آهرمن، موجود افسانه‌ی که او را با قدی بلند و هیكلی مهیب و درشت تصور کنند. ایرانیان قدیم مردان دلیر و شجاعان را کدخدا و یا دیو می خواندند و در مقابل مدح و ستایش مازندرانی‌ها را دیو می خواندند.

کنایه از مردم پهلوان و دلیر، اشخاصی که در زمان خود قوی تر از امثال و اقران بوده‌اند و مطیع حکام نمی شدند را دیو می گفتند. بعضی معتقدند که دیوها ملت‌های غیر آریایی بوده‌اند که کم کم

مغلوب و مقهور نژاد ایرانی شدند و این دیوها برخی از فنون را به ایرانیان می‌آموخته‌اند و شاید در تمدن و صنعت بر ایرانی‌ها مقدم بوده‌اند.

احتمالاً دیوها اشخاص قوی هیکل و شجاع بوده‌اند که در ایام قدیم در مازندران اقامت داشته‌اند و یا هر چند یکبار از ممالک مجاور دریای خزر به آن ناحیه می‌تاخته‌اند و علت اینکه دیوان را موجوداتی با شاخ و دم نوشته‌اند و تصور می‌کرده‌اند ظاهراً بدین سبب بوده که مردم طبرستان اغلب پوستین پوش بوده‌اند و بقول فردوسی از عهد قدیم پوست سگ و گرگ و غیره می‌پوشیده‌اند و بدین علت فردوسی آنان را سگسار و گرگسار می‌نامید. (لغت‌نامه دهخدا جلد ۲۵)

شاهنامه‌ی فردوسی کهن‌ترین متون ادبی است که در آن از دیوها بسیار سخن گفته شده است اصولاً دیوهای **شاهنامه** و دیگر آثار حماسی (سیاهه) هستند.

نخستین دیو **شاهنامه**، دیوی سیاه است که سیامک پسر کیومرث را می‌کشد (جلد ۱، ص ۲۳) فرزند اهرمن است دیوها در **شاهنامه** گاه صفت اهرمن دارند. در **شاهنامه** دیوها جادوگری و افسون می‌دانند (جلد ۱، ص ۳۷) دیگر صفت دیوها در **شاهنامه** وارونه است. (جلد ۱، ص ۲۳)

مطابق با **شاهنامه** طهمورث به خونخواهی پدرش سیامک سپاه دیوها را در هم می‌شکند و دیوهای بسیاری را در بند می‌کند و دیوها نوشتن نزدیک به سی زبان را به طهمورث یاد می‌دهند و از این‌رو طهمورث دیو بند لقب می‌گیرد. (جلد ۱ ص ۴۱)

بری و پلنگ انجمن کرد و شیر

ز درندگان گرگ و ببر دلیر
(ص ۳۱ سطر ۶۰ جلد ۱)

در شاهنامه مازندران جایگاه دیو هاست (جلد ۲ ص ۶) دیوهای مازندران ارزنگ دیو سپید- سنجر - کولادغندی و بی نام دارند. (جلد ۲ ص ۲۰ و ۳۷)

کسانی که در جنگ طهمورث با دیو او را یاری می‌کنند پری و پلنگ و... حیوانات هستند. دیو سپید بر فراز سپاه ایران خود را بصورت ابری در می‌آورد و بدین طریق همه آنان را نابینا می‌کند. (جلد ۲ ص ۱۵)

اکوان دیو از دیگر دیوان مشهور شاهنامه است که به شکل گورخری ظاهر می‌شود که مانند خورشید طلایی رنگ است و

خطی مشکین بر یال دارد. (جلد ۳ ص ۲۸۹ الی ص ۲۹۱)

اکوان دیو، زمینی که رستم در آن خوابیده بود را به صورت گرد می‌برد. و او را بر هوا بلند میکند و از رستم می‌پرسد که، او را به دریا بیندازد یا خشکی، رستم که می‌داند دیو وارونه است، می‌گوید خشکی و اکوان او را در دریا می‌اندازد و رستم نجات می‌یابد. در منظومه‌های حماسی ای که به پیروی از شاهنامه سروده شده‌اند دیوها حضور دارند و پهلوانانی ایرانی دایم با آنان در ستیزند. مثلاً در گرشاسب نامه ص ۲۸۲ الی ۲۸۳ را می‌کشد. و در سام نامه (جلد ۱ ص ۲۳۶ و ص ۲۳۷) همچنین از موجودی دیوزاده به نام فرهنگ یاد شده است.

در گرشاسب نامه اندکی بیشتر از شاهنامه، شکل دیو وصف شده است. پهنای منهراس دیو سه برابر آدمی است و بلندی اش چهل ارش و تنش نیلگون است. باسنکی می‌تواند کوه را بازمین هموار کند و هنگامی که می‌گرد هوش و جان از شیر می‌برد. (اسدی طوسی ص ۲۷۳ الی ۲۸۳)

در شاهنامه نیز دیو به دلیل تمام مواردی که ذکر شد و همیشه در حال نبرد با پادشاهان ایران و یا پهلوانان است چهره‌ای دشمن گونه دارد و می‌توان او را دشمن یا بیگانه شمرد فردوسی در داستان جدال رستم با دیو سپید اشاره می‌کند که:

تو مر دیو را مردم بد شناس کسی کو زیزدان ندارد سیاس
(ص ۳۱۰ سطر ۱۴۰ جلد ۴)

و از این بیت فردوسی، روشن است که دیو از دیدگاه او چه نقش و حکمی دارد. در جوامع کنونی ما نیز دیوهای بشماره وجود دارند که بقول فردوسی آنان همان دیو هستند. دیو درون انسان که او را به سمت امیال شیطانی سوق میدهد و یا نفس اماره یکی از این دیوها است که نقش مخربی در حرکت انسان به سوی نفس و امیال حیوانی دارد و یا فردوسی دیو را مردمان بد که خدا را نمی‌شناسند و از او شکر گزار نیستند، می‌داند.

این افراد همچون دیو شاهنامه، بیگانه هستند. زیرا انسان را به سمت و سویی، خلاف جهت انسانی سوق می‌دهند. دیو همان چیزی است که انسان را به سمت خلاف خود شناسی و خدا شناسی سوق می‌دهد. و باید با آن مبارزه کرد و آنرا از بین برد.

اگر انسان اینگونه دیوها را در خود نابد کند، می‌تواند به خود شناسی واقعی دست یابد و این همان چیزی است که موجب شناخت خدا و رسیدن به معبود واقعی می‌شود و بیگانگی انسان با خود واقعی او، جنبه انسانی اش دیوی است که در وجود آدمی رسوخ

کرده و می خواهد او را از بین ببرد .

از نظر فردوسی دیو یا مردم بد کسانی هستند که به معنای واقعی نتوانسته اند یزدان را بشناسند. همان هایی هستند که او آنان را دیو و دشمن و یا بیگانه می داند در شاهنامه از مردم بد و بدکردار بعنوان دیو یاد شده است.

نتیجه گیری

با توجه به شواهد مثال در شاهنامه فردوسی در خصوص نقش سیمرغ و دیو در تبیین واژه های خودی و بیگانه ، می بینیم که در واقع ، سیمرغ در شاهنامه نمودی است از قدرت بی انتهای خدا، که غیر قابل باور است. همیشه با ماست ولی او را نمی شناسیم و باید سعی کنیم که برای شناخت او بیشتر خود را بشناسیم.

سیمرغ، آن قدرتی است که اگر بخدا توکل کنیم به آن دست می یابیم قدرتی که در هر زمان و هر لحظه مارا یاری می کند و یاری اوست که ما را از هر چیز و هر کس بی نیاز می کند.

سیمرغ چهره ی خداست که بواسطه و جود او به کمال خواهیم رسید و می توانیم خود را شناخته و پس از شناخت او به خود واقعی و انسانی خودمان برسیم سیمرغ خودی است زیرا که چاره گر روزهای سخت و ناتوانی ما بوده و مارا از گرفتاریهای واقعی زندگی و بن بست ها می رهاند.

از نظر فردوسی دیو یا مردم بد کسانی هستند که به معنای واقعی نتوانسته اند یزدان را بشناسند. همان هایی هستند که او آنان را دیو و دشمن و یا بیگانه می داند در شاهنامه از مردم بد و بدکردار بعنوان دیو یاد شده است .

دیو های زیادی در دنیای کنونی ما را آزار می دهند و باید با آنها مقابله کنیم که بزرگترین آن دیوها دیو نفس است . نفسی که مارا به سوی صفات حیوانی و به سوی سرازیری سقوط سوق می دهد و از ما می خواهد که برخلاف جریان شناسایی خود واقعی، و دست یابی به کمال انسانی، عمل کنیم و ما را از خود انسانی و کاملی که باید باشیم دور می کند و اگر در دام این دیوها اسیر شویم از خود واقعی و انسانی، دور می مانیم. این دیوها مانند بیگانه ای هستند که در روح انسان نفوذ می کنند و پس از مدتی آنرا تسخیر کرده و تحت فرمان خود در می آورند و پس از تسخیر کامل دیگر تورا با خود واقعی و انسانی ات بیگانه می کنند. ■

فهرست منابع

کتاب:

- ۱-اسلامی، محمد علی ، داستان داستانهها (رستم و اسفندیار در شاهنامه) ، ۱۳۸۶، شرکت انتشار.
- ۲- حسینی، ساعد ، شاهنامه شاهکار اندیشه ، سال ۱۳۴۷، نوید شیراز .
- ۳- رنجبر ، احمد، جاذبه های فکری فردوسی ، ۱۳۶۹ ، امیر کبیر ، چاپ دوم ۱۳۶۹.
- ۴- رمضان، محسن ، شاهنامه میراث فردوسی ، سال ۱۳۶۹ ، نشر پدیده .
- ۵- دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه، سال ۱۲۵۸ الی ۱۳۳۴ .
- ۶- شفیعی کدکنی ، محمد رضا ، صور خیال در شعر فارسی ، سال ۱۳۵۰ ، نیل ر نظر استاد محمد معین
- ۷- فردوسی، ابوالقاسم ، ۱۳۶۵ ، . شاهنامه فردوسی، چاپ مسکو
- ۸- لاهوری، اقبال ، دیوان، ۱۳۷۱، سنایی ، تصحیح احمد سرورش

مقالات

- ۱- طباطبایی، محیط، فردوسی و شاهنامه
- ۲- کریمی حکاک ، احمد ، بنیاد مطالعات ایران - مجموعه مقالات- انتشارات امیر کبیر
- ۳- فاضلی، قادر، اسرار خودی در اندیشه اقبال لاهوری

فردوسی و شاهنامه

تألیف پروفسور سید حسن امین

منتشر شد.

- مقدمه و تقریظ به قلم فضل الله کاسمی
- اهمیت فردوسی و شاهنامه
- زندگی و خاستگاه فردوسی
- مذهب و مکتب فردوسی
- عرفان و متافیزیک در شاهنامه
- خواب و رؤیا در شاهنامه
- دین شناسی تطبیقی در شاهنامه
- زن و خانواده در شاهنامه
- سوگند و آزمایش ایزدی در شاهنامه
- پند و اندرز در شاهنامه
- آثار شاعران و نویسندگان درباره ی فردوسی و شاهنامه
- آثار شاعران و نویسندگان اروپایی درباره ی فردوسی و شاهنامه
- منظومه ی داستانی فردوسی پس از چهارصد سال به

زبان های اروپایی

مرکز فروش: خیابان انقلاب بین فلسطین و ابووریحان
پلاک ۱۱۲۰، انتشارات بعثت

ناشر: انتشارات دایرة المعارف ایران شناسی

تهران - نقاط انقلاب و فلسطین - ساختمان مهر - پلاک ۳۱۲